

معمای وصیت

واکاوی حدیث فرطاس و پاسخ به شبهات آن

مؤلف: علی نیکی

معمای وصیت

واکاوی حدیث قرطاس و پاسخ به شبهات آن

مؤلف: علی نیکی

ناشر: عاصم

صفحه آرایی: واحد هنری انتشارات عاصم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۹۷-۵۷-۳

قیمت روی جلد: ۵۰۰/۰۰۰ ریال

سرشناسه: نیکی، علی، ۱۳۶۴-

عنوان و نام پدیدآور: معمای وصیت: واکاوی حدیث قرطاس و پاسخ به شبهات آن / مؤلف علی نیکی.

مشخصات نشر: تبریز: انتشارات عاصم، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۹۷-۵۷-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰۵.

موضوع: احادیث خاص (قرطاس) -- نقد و تفسیر

موضوع: * Criticism -- Hadiths, Special (Ghertas) and interpretation

رده بندی کنگره: BP۱۴۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۲۴۶۰۷

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب اعم از چاپ، کپی، تکثیر، ذخیره در سیستم‌های بازیابی محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار.....	۱۱
---------------	----

فصل اول: روایت در مکتب خلفاء

ماجر از چه قرار است؟.....	۲۲
نگاهی به الفاظ و مضمون روایت.....	۲۳

فصل دوم: نگاهی به سند روایت و پاسخ به شبهات آن

سند حدیث.....	۲۷
شبهات.....	۲۸

فصل سوم: بحثی در عصمت پیامبر ﷺ

الف) عصمت در لغت.....	۵۷
ب) منشاء عصمت.....	۵۸
ج) ابعاد عصمت و اقوال متکلمان.....	۶۱
عصمت از گناه پس از نبوت.....	۶۳
د) دلایل عقلی بر عصمت پیامبر ﷺ.....	۶۴
۱- لزوم بعثت در نبوت.....	۶۵
۲- لزوم تکلیف به محال.....	۶۵
۳- لزوم مخالفت با پیامبر.....	۶۵
ه) دلایل نقلی بر عصمت.....	۶۶

- ۶۶ (۱) در مورد عصمت ملائکه.....
- ۶۷ (۲) در مورد عصمت پیامبر ﷺ (پیامبران).....
- ۷۲ (و) عصمت در کلام بزرگان مکتب خلفاء.....

فصل چهارم: بحثی در معنا و مفهوم «هجر»

- ۷۷ بخش اول: کاوشی در معنای «اهجر».....
- ۸۱ بخش دوم: توجیهات و سر در گمی علما مکتب خلفاء.....
- ۸۲ نقد و بررسی کلام خطابی:.....
- ۸۵ نقد و بررسی کلام قاضی عیاض:.....
- ۹۴ بخش سوم: سزای توهین کننده به پیامبر ﷺ چیست؟.....

فصل پنجم: وصیت پیامبر ﷺ چیست؟

- ۱۰۳ بخش اول: پیامبر ﷺ چه می خواستند و بکنند؟.....
- ۱۰۴ (۱) مساله جانشینی و خلافت.....
- ۱۶۴ بخش (۲) هدف پیامبر ﷺ از نوشتن آن وصیت چیست؟.....

فصل ششم: پاسخ به شبهات حدیث قرطاس

- ۱۷۰ الف) ترس و دلسوزی عمر از عذاب امت؟!.....
- ۱۷۰ نقد و بررسی.....
- ۱۷۳ ب) شفقت و مهربانی عمر نسبت به پیامبر ﷺ.....
- ۱۷۳ نقد و بررسی.....
- ۱۷۵ ج) قرآن ما را بس است؟!.....
- ۱۷۶ نقد و بررسی.....
- ۱۸۱ د) این اجتهاد عمر است.....
- ۱۸۲ نقد و بررسی.....
- ۱۸۳ الف) صلاة التراويح.....
- ۱۸۴ ب) الصلاة خير من النوم.....

ج) نماز مسافر.....	۱۸۵
هـ) امر پیامبر ﷺ ارشادی است؟!!!.....	۱۸۸
نقد و بررسی.....	۱۹۰
و) اختلاف امت من رحمت است؟.....	۱۹۷
نقد و بررسی.....	۱۹۸
ج) هراس عمر از سوء استفاده منافقان!.....	۲۰۰
نقد و بررسی.....	۲۰۰
منابع و مأخذ:.....	۲۰۵

پیشگفتار

در سال یازده هجری، دهه آخر صفر پیامبر اکرم ﷺ بیمار شد. و در حال بیماری، دستور دادند مردم را برای جنگ با روم به فرماندهی اسامه بن زید آماده کنند.

روز چهارشنبه سردرد و کسالت بر پیامبر عارض شد و روز پنجشنبه پرچمی را با دستان خود برای اسامه تهیه کردند و فرمود: «اغز بسم الله في سبيل الله فقاتل من كفر بالله».

و در آن لشکر مهاجرین، انصار، ابوبکر، عمر بن خطاب، ابو عبیده بن الجراح، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید، قتاده بن النعمان، سلمه بن اسلم بن حریش بودند.^۱

و پیامبر فرمود: «لعنة الله علي من تخلف عن جيش اسامه»^۲

۱. طبقات ابن سعد ۳۴۵/۲ - بیروت. دار احیاء التراث العربی. عیون الاثر ۲/۲۸۱ و در منابع زیادی تصریح شده به اینکه ابوبکر و عمر جزو لشکر اسامه بودند. کنز العمال ۵/۳۱۲، منتخب کنز العمال ۴/۱۸۰، انساب الاشراف بلاذری در ترجمه اسامه ۱/۴۷۴، تهذیب ابن عساکر ۲/۳۹۱، تاریخ یعقوبی ۲/۷۴ چاپ بیروت. ابن اثیر ۲/۱۲۳.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی ۶/۵۲ - شهرستانی - معل و نحل، مقدمه‌ی چهارم و آن را از سلمات گرفته.

«لعنت خدا بر کسی که از سپاه اسامه تخلف کند».

پس از آن حال پیامبر اکرم ﷺ بر اثر بیماری سنگین شد و به لشکر اسامه که در بیرون مدینه بودند خبر دادند که پیامبر ﷺ در حال احتضار است. آن‌ها که می‌خواستند در امر خلافت دخالت کنند به مدینه باز گشتند و دور آن حضرت جمع شدند. پیامبر فرمود: «اتوني بدواة و صحيفة اكتب لكم كتاباً لا تضلوا بعده ابداً فقال عمر: ان النبي غلبه الوجع وعندكم كتاب الله، حسبنا كتاب الله».

«پیامبر دستور داد برای او دوات و کاغذ بیاورند تا وصیت نامه‌ای بنویسند که بعد از آن هرگز گمراه نشوند. عمر گفت: بیماری بر پیامبر غلبه کرده است «یعنی آنچه را که می‌گویند نمی‌داند چه می‌گوید» و نزد شما کتاب خداست و کتاب خدا ما را بس است.

دسته‌ای گفتند: دستور پیامبر را انجام دهید. آن دسته‌ای که می‌خواستند دستور پیامبر ﷺ را انجام دهند غالب شدند.

پس از این گفت و گو و مجادله، بعضی از حاضرین خواستند که قلم و کاغذ بیاورند، اما پیامبر فرمود: «او بعد ماذا؟!!!» آیا پس از چه؟!.

پس از این ناسزا گویی، پیامبر ﷺ فرمود: «قوموا عني لا ينبغي عند نبي تنازع» از نزد من بر خیزید که در نزد پیامبر ﷺ نزاع کردن شایسته نیست.

پس از این ابوبکر بدون اجازه‌ی پیامبر اکرم ﷺ برای نماز به مسجد می‌رود تا امام جماعتی خود نماز را بخواند. پیامبر ﷺ برای نهی ابوبکر از این کار با آن حالت بیماری به طوری که در هنگام رفتن به طرف مسجد پاهای خود را به زمین می‌کشاند و ابن عباس و امام علیؓ دو طرف او را گرفته به مسجد رفته و جلوی ابوبکر نماز می‌خواند و ابوبکر را از آن کار باز می‌دارد و بقیه داستانها در همین روز دوشنبه اتفاق می‌افتد.